

کارگران شهرداری: پیمانکاران با

استثمار ما به سودهای باد آورده ای دست پیدا می کنند

گزارش: پروانه شیخ

بیست سوم آبان ماه هشتاد و پنج

کارگران شاغل در بخشهای خدمات شهری شهرداری تهران می گویند: دستمزد دریافتی ما به هیچ عنوان با شرایط به دشوار کارمان تناسب ندارد و متاسفانه پیمانکاران با استثمار ما به سودهای باد آورده ای دست پیدا می کنند. گزارش ایلنا، کارگری که خود را اهل اراک و ۵۵ ساله معرفی می کرد، می گوید: ۲۴ سال است که در شهرداری مشغول هستم و در حال حاضر در فضای سبز پارک آفتاب واقع در امیرآباد کار می کنم.

او درآمد ماهیانه اش را ۱۸۰ هزار تومان اعلام کرد و گفت: از ۶ صبح تا ۵ بعد از ظهر کار می کنم آن هم با قرارداد موقت! ۸۰ هزار تومان از این مبلغ را باید به صاحب خانه ام بدهم و با ۱۰۰ هزار تومان باقی يك خانواده پنج نفره را تامین کنم. او می گوید: بعد از این همه خدمت در شهرداری چرا باید ۱۸۰ هزار تومان حقوق بگیریم، آیا مدیران شهرداری نباید به فکر کارگران و کارمندانشان باشند.

کارگر دیگری که خود را آذری و ساکن تهرانپارس معرفی کرد، گفت: در یکی از پارک ها نگهبان هستم و به صورت شیفتی و يك روز در میان کار می کنم. وی گفت: پیش از این راننده مینی بوس بودم به علت بدهی ماشینم را فروختم و اکنون ...؟! این شهروند زحمتکش ادامه داد: ماهانه ۱۲۰ هزار تومان حقوق میگیرم؛ درست که مستاجر نیستم اما این مبلغ کفاف زندگی را نمی دهد چون یکی از فرزندانم دانشجوی دانشگاه است و همسر هم از بیماری ریوی رنج می برد.

کارگر دیگری که خود را ۳۴ ساله و متاهل معرفی کرد، از ذکر محل کارش خودداری کرد و گفت: اگر آدرس محل کارم را بدهم ممکن است که ماموران شهرداری بفهمند که با خبرنگار صحبت کردم و برایم دردسر ساز شود. او شغل خود را سم پاش و مسئول هرس و نگهداری از فضای سبز عنوان کرد و گفت: ۱۵۰ هزار تومان حقوق می گیرم و ۷۰ هزار تومان اجاره می دهم و روز تعطیل و جمعه هم نداریم. وی اضافه کرد: همسرم برای همسایه ها سبزی خرد می کند و کمک خرج خانه است.

کارگری که اهل کردستان و ۳۲ ساله است، میگوید: راننده وانت شهرداری هستم و درخت، نهال ها و گل جا به جا می کنم. او با بیان اینکه مجرد است، گفت: شبها را داخل پارک میخوابم و در زمستان که هوا سرد است داخل کیوسک نگهبانان شهرداری شب را به صبح میرسانم. وی میگوید: ماهی ۱۲۰ هزار تومان حقوق میگیرم که علاوه بر مخارج خودم باید مبلغی از آنرا هم به خانواده ام که در سنج زندگی میکنند، بفرستم. او میگوید: درس خواندن را دوست داشتم اما به دلیل فقر مالی نتوانستم تحصیلاتم را ادامه بدهم و پس از سوم راهنمایی تحصیل را رها کرده و مشغول کار شدم.